

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی
سال سیزدهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۲۶)، صص ۲۴۵-۲۷۲
DOI: 10.22099/JCLS.2021.40616.1878

رویکردی فرهنگی به هویت در ترجمه‌ی ادبیات نوجوان: مطالعه‌ی موردی رمان خورشید هم یک ستاره است

زهره قرائی*

شیرین شب‌انگیز**

چکیده

ادبیات یکی از عوامل مؤثر در رشد فکری کودک و نوجوان است. با وجود اینکه در ایران ادبیات ترجمه‌شده سهم بزرگی از آثار کودک و نوجوان را تشکیل می‌دهد، مطالعات چندانی در رابطه با ابعاد مختلف آن انجام نشده است. در پژوهش حاضر به بررسی ترجمه‌های یک رمان نوجوان از منظر مؤلفه‌های هویت فرهنگی پرداخته شده است. طبق تعریف هالیدی، عناصر هویت فرهنگی در رمان شناسایی شد. سپس دو ترجمه‌ی فارسی آن بررسی شد تا با انتخاب رویکردی فرهنگی، مؤلفه‌هایی مشخص شوند که بیشتر دستخوش دست‌کاری شده بودند. بررسی‌ها نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی در رمان بررسی‌شده زبان، غذا، حرفه و تحصیلات، رویکردهای هستی‌شناختی و روابط هستند. بررسی ترجمه‌ها نشان داد که از میان مؤلفه‌ها، زبان بیشتر دستخوش دست‌کاری شده است؛ زیرا لهجه‌های اجتماعی که در رمان، نسل اول مهاجران به آمریکا و همچنین نوجوانان را نشان‌دار می‌کنند در ترجمه تبدیل به زبان استاندارد شده‌اند. به‌علاوه، گرچه محتوای جنسی رمان در ترجمه‌ها به‌طور

* استادیار مطالعات ترجمه دانشگاه کاشان zgharaei@kashanu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** کارشناس ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه شیخ بهایی shirinsh.1395@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۲۲

کلی حفظ شده بود، اما با تکنیک‌های حذف، خلاصه‌سازی و تلطیف تا حدی دستخوش تغییر گردیده بود. این مشاهده، با در نظر گرفتن رویکردهای هستی‌شناختی شخصیت‌ها که در تعارض با رویکرد غالب در جامعه ایران است، ولی در ترجمه‌ها معمولاً بدون دست‌کاری منتقل شده است، تأییدکننده‌ی این ادعاست که سخت‌گیری‌ها در ترجمه‌ی آثار، کم‌رنگ‌تر از تألیف هستند. برای بررسی تأثیر دست‌کاری‌ها بر کلیت ترجمه، مشاهدات از منظر مفهوم «آمیختگی» هومی بابا به بحث گذاشته شد تا نقش لهجه‌ی اجتماعی در هویت فرهنگی برجسته شود. در نهایت، باتوجه به جایگاه ادبیات ترجمه‌شده‌ی نوجوان در ایران، نظام چندگانه‌ی روند حاضر توجیه شد.

واژه‌های کلیدی: ترجمه‌ی ادبیات نوجوان، دست‌کاری، رویکرد فرهنگی، نظام چندگانه، هویت فرهنگی.

۱. مقدمه

دوران نوجوانی دورانی است که در شکل‌گیری اندرون‌یافت فرد از هستی نقش دارد، فرایندی که از کودکی شروع می‌شود و در نوجوانی به اوج خود می‌رسد. شاید به همین خاطر است که این دوران را سال‌های بنیادین زندگی فرد قلمداد می‌کنند (رک). (Nikolajeva, 2014: 57). در این سال‌هاست که فرد بیش از هر زمان دیگری مشتاق است تجربیات جدید کسب کند و در این مسیر به کندوکاو دنیای درون خود و دیگران می‌پردازد؛ همه‌ی این عوامل دست‌به‌دست یکدیگر می‌دهند و این دوران را از نظر یادگیری، تقلید و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیمی چون اخلاقیات شاخص می‌کنند (رک). اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰). در این دوره بسیاری از نوجوانان به خواندن رمان گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا به دنبال تجلی دنیای درون‌شان در شخصیت‌ها و اتفاقات داستان هستند. به اعتقاد نیکولایوا، کتاب آن‌قدر مهم است که می‌تواند هویت‌شان را شکل دهد (رک). (Nikolajeva, 2014: 56).

کتاب‌هایی که برای نوجوانان تولید می‌شوند همیشه در راستای فرهنگ یا ارزش‌های جامعه نیستند. یکی از دلایل این امر، ترجمه‌ای بودن آثاری است که اساساً برای جامعه‌ای دیگر، با نظام ارزشی و فرهنگی متفاوتی تولید شده‌اند. در ایران، طبق آمار «خانه‌ی کتاب

ایران» که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده، آثار کودک و نوجوان در میان کتاب‌های ترجمه‌ای، طلایه‌دار هستند. در چنین شرایطی، یکی از دغدغه‌های برخی متولیان آموزشی و فرهنگی و والدین محتوای آثاری است که ریشه در نظام فرهنگی و ارزشی متفاوتی دارند. راهکار برخی، تقابل با این نبود مطابقت‌هاست و همان‌طور که ایون-زهر معتقد است، نمود این راهکار گاهی در نداشتن انتخاب متن برای ترجمه بروز می‌کند و گاهی در تکنیک‌هایی که در ترجمه‌ی متن استفاده می‌شود (رک. Even-Zohar, 1990: 307). اما گاهی چنین اقداماتی سرکوبگرانه تلقی می‌شوند و ریشه‌ی آن در روابط قدرت نابرابر بین نوجوان و بزرگ‌سال (در قالب نویسنده، مترجم، عوامل انتشارات و غیره) جست‌وجو می‌شود. افزون‌بر این نظرات متعارض، واقعیت‌های جامعه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در دنیایی که دسترسی به اطلاعات برای همه آسان است، سانسور و اعمال محدودیت در اطلاعات مانند گذشته پاسخ نمی‌دهد، مخصوصاً هنگامی که جامعه‌ی هدف، نوجوانان، یعنی پیشگامان استفاده از تکنولوژی هستند. از نظر اکیایوز، در گذشته نظر والدین، پیشنهاد ناشران، مترجمان و متولیان آموزش در انتخاب نوجوانان نقش پررنگ‌تری داشته است؛ اما امروز دسترسی آسان به اینترنت و تبلیغات گسترده برای کتاب‌ها در سایت‌ها باعث شده نوجوانان خود نقش اصلی‌تری در انتخاب کتاب داشته باشند (رک. Okyayuz, 2017: 150). آن‌ها در فروم‌های مختلف با دوستان داخلی و خارجی خود درباره‌ی مضامین کتاب‌ها، انیمیشن‌ها و فیلم‌ها گفت‌وگو می‌کنند. افزون‌بر این، آن‌ها به راحتی کتاب‌های محبوب خود را آنلاین سفارش می‌دهند و حتی دسترسی آسان و رایگان به محتوای کتاب‌ها به زبان اصلی دارند.

در شرایطی که عمده‌ی ادبیات نوجوان ما را ادبیات ترجمه‌ای از زبان انگلیسی تشکیل می‌دهد، با در نظر گرفتن اختلاف‌نظرهای تئوریک و همچنین ملاحظات گفته‌شده و در غیاب مطالعات کافی در زمینه‌ی ادبیات ترجمه‌ای نوجوان، بایسته است ترجمه‌ی آثاری با مضامین ارزشی و فرهنگی متفاوت بررسی شوند تا رویکرد کنونی مشخص‌تر شود: آیا گرایش عمده، سانسور و دست‌کاری است؟ یا با در نظر گرفتن حقایق جامعه‌ی امروز،

گرایش به حفظ مطالب حتی متعارض با ارزش‌های جامعه‌ی مقصد است؟ برای بررسی این مسأله، رمان نوجوان خورشید هم یک ستاره است انتخاب شد. برخی از مضامین این رمان جزو خط قرمزهای تألیف (مخصوصاً برای این گروه سنی) در ایران است و بخشی از نظام ارزشی آن با ارزش‌های جامعه‌ی ایران متعارض است. ضمن بررسی مؤلفه‌های هویت فرهنگی شخصیت‌های نوجوان رمان، دو ترجمه‌ی فارسی آن با انتخاب رویکردی فرهنگی به ترجمه بررسی شدند تا مشخص شود کدام مؤلفه‌ها دستخوش دست‌کاری و تعدیل شده‌اند و کدام حفظ شده‌اند. سپس نتایج این مطالعه به بحث گذاشته شده‌اند. در ادامه، باتوجه به چارچوب نظری این پژوهش، ابتدا خلاصه‌ای از رویکرد فرهنگی به ترجمه ارائه می‌شود و سپس به مرور پژوهش‌های موجود درباره‌ی ترجمه‌ی ادبیات کودک و نوجوان و همچنین روش این پژوهش پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. رویکرد فرهنگی به ترجمه

آن‌طور که سنل-هورنبی در کتاب چرخش‌های مطالعات ترجمه می‌نویسد، شروع چرخش فرهنگی در دهه‌ی هشتاد میلادی اتفاق افتاد (رک. Snell-Honby, 2006: 47). البته آغاز شکل‌گیری ایده‌ها به دهه‌ی هفتاد برمی‌گردد. طبق نظر سنل-هورنبی، این چرخش با چهار جریان عمده شناخته می‌شود. اولین جریان، مطالعات ترجمه‌ی توصیفی به‌طور عام و مکتب دست‌کاری و مفهوم «بازنویسی» به‌طور خاص است. گفتنی است که نظریه‌ی نظام چندگانه در شکل‌گیری این جریان نقش داشته است. جریان مهم بعدی رویکرد کاربردی و به‌ویژه نظریه‌ی اسکوپوس است. سومین جریان مدل هولزمانتاری و تأکید وی بر عمل ترجمه به‌عنوان کنش و نوعی ارتباط بین فرهنگی است. نهایتاً جریان اصلی چهارم ساختارشکنی است. از آنجاکه این مطالعه بیشتر ملهم از جریان اول است، در ادامه شرحی مختصر از نظریه‌ی نظام چندگانه و مفهوم «بازنویسی» داده می‌شود.

۲. ۱. ۱. نظریه‌ی نظام چندگانه

نظریه‌ی نظام چندگانه را ایون-زوهر مطرح کرد. ایون-زوهر معتقد است مؤلفه‌های فرهنگ اجزایی جدا و ایستا نیستند؛ بلکه آن‌ها را به‌مثابه نظام‌هایی می‌بیند که به هم وابسته‌اند (رک. Even-Zohar, 1990: 289). طبق این نظریه، نابرابری و رقابت میان نظام‌های چندگانه‌ی فرهنگی ضامن پویایی آن است. برنده‌ی این رقابت موقعیت مرکزی را تصاحب می‌کند و بقیه‌ی نظام‌ها به‌حاشیه رانده می‌شوند. این موقعیت‌ها هم پویا هستند و با گذر زمان و تغییر شرایط تغییرپذیرند. باید توجه داشت که بر اساس این نظریه هنجارهای نظام‌ها ارتباط میان آن‌ها را راهبری می‌کند.

۲. ۱. ۲. بازنویسی و دست‌کاری

بازنویسی را به‌نوعی بسط نظریه‌های سیستمی می‌دانند. به اعتقاد لِفور، «ترجمه بارزترین نوع بازنویسی است» و بازنویسی می‌تواند با انگیزه‌های ایدئولوژیک یا سخن‌شناسانه^۱ انجام شود (Lefevere, 1992: 2). از نظر او، دو گروه «متخصصان»^۲ و «حامیان»^۳ هستند که بر نظام ادبی نظارت دارند. متخصصان همان مترجمان، ناقدان و چهره‌های دانشگاهی هستند و حامیان کسانی هستند که «مانع خوانش، نگارش و بازنویسی ادبیات می‌شوند یا آن را تسهیل می‌کنند» (همان: 15). نهادهای سیاسی و مذهبی، ناشران و رسانه‌ها می‌توانند نقش حامی را ایفا کنند. معمولاً در صورت هم‌سویی ایدئولوژی اثر با ایدئولوژی غالبی که حامی مدافع آن است، حامی به حمایت اقتصادی نویسندگان، مترجمان یا بازنویسان می‌پردازد و به آن‌ها وجهی اجتماعی اعطا می‌کند. بنابراین، در این رویکرد به عواملی پرداخته می‌شود که تولید و پذیرش اثر ترجمه‌شده را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بر اساس شرحی که هرمانز از مکتب دست‌کاری می‌دهد، در جریان ترجمه همیشه میزانی از دست‌کاری در متن اصلی انجام می‌گیرد و این کار پذیرش اثر توسط جامعه‌ی مقصد را تسهیل می‌کند. تأکید بر پذیرش اثر در جامعه‌ی مقصد یکی از وجوهی است

¹ Poetological

² Professionals

³ Patronage

که این دیدگاه را با بازنویسی در یک دسته قرار می‌دهد. به علاوه، این رویکرد هم به نوعی با نظریه‌های سیستمی عجین است؛ زیرا ادبیات را نظامی پیچیده و پویا می‌داند (رک). (Hermans, 1985: 10) و این وجه تشابه دیگر این رویکرد با بازنویسی است. ولف هم آن‌ها را لازم و ملزوم می‌داند. از نظر او، «مفهوم بازنویسی بر مداخلاتی دلالت دارد که از جنس دست‌کاری هستند. این دست‌کاری‌ها هم در سطح متن و هم در سطح ابزارهای (ادبی) فرهنگی عمل می‌کنند و در جریان برهم‌کنش نیروهای اجتماعی روند تولید را راهبری و کنترل می‌کنند» (Wolf, 2010: 338).

۳. پیشینه و روش پژوهش

۳.۱. مطالعات تجربی

به مسائل مربوط به ترجمه‌ی ادبیات نوجوان در پژوهش حتی در سطح جهان نیز توجه کمی شده است (رک). (Kaniklidou & House, 2017: 1). در مطالعات تجربی موجود هم که با نام کلی ادبیات کودک و نوجوان هستند، عمدتاً به مسائل ادبیات کودکان پرداخته شده است. از نظر زمینه‌ی پژوهشی، تمرکز مطالعات موجود عمدتاً محدود به تکنیک‌های بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی مترجمان بوده است. عمده‌ی این مطالعات تأییدکننده‌ی گرایش مترجمان به تکنیک‌های بومی‌سازی یا به تعبیر لتی، «انطباق فرهنگی» هستند (Lathey, 2006: 7). برای مثال، پرتینن اذعان داشت که تغییراتی که در ترجمه‌ی داستان کودک اتفاق می‌افتد، عمدتاً در راستای مطابقت با هنجارها و انتظارات جامعه‌ی مقصد است (رک). (Puurtinen, 1995: 23). ونوتی هم تأیید می‌کند که روند غالب در ترجمه‌ی آثار کودک بومی‌سازی است (رک). (Venuti, 1995: 15).

۳.۲. پیشینه‌ی پژوهش

از میان پژوهش‌های تجربی که در دهه‌ی اخیر انجام گرفته‌اند، می‌توان به مطالعه‌ی لتی اشاره کرد. او نیز که بر فراوانی تکنیک‌های بومی‌سازی در ترجمه‌ی ادبیات کودک تأیید

می‌کند، معتقد است در این فرایند «عناصر غریب» که کودک با آن ناآشناست بومی‌سازی می‌شوند. از نظر او، تکنیک‌هایی نظیر سانسور و خلاصه‌سازی برای تطبیق محتوای اثر با ملاحظات اخلاقی، مذهبی و سیاسی جامعه‌ی مقصد مناسب هستند (رک. Lathey, 2010: 52). همچنین، اسمان و پدerson با تحلیلی که بر ترجمه‌ی انگلیسی رمانی سوئدی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ترجمه بومی‌سازی شده و به‌لحاظ ساختاری و متنی با رمان سوئدی تفاوت‌هایی دارد (رک. Asman & Pederson, 2011: 7). هوس هم که از منظر «فیلتر فرهنگی» به قضیه می‌نگرد به نتایج مشابهی رسیده است و اذعان می‌دارد چنین انطباق‌های فرهنگی متن ترجمه‌شده را هم‌سو با هنجارهای جامعه‌ی مقصد می‌کند (رک. House, 2016: 73). مطالعات محدودی نیز گزارش شده‌اند که گرچه از منظر تقریباً مشابهی به مسأله نگرسته‌اند، اما به نتایج کم‌وبیش متفاوتی دست‌یافته‌اند. برای مثال، گرچه در مطالعه‌ی کانیکلیدو و هوس دست‌کاری‌ها در متن اصلی توجیه‌پذیر تلقی شده‌اند؛ اما اشاره‌ای گذرا به روندی جدید شده است: «اجتناب از دست‌کاری در متن اصلی در ترجمه‌های اخیر به آلمانی، اسپانیایی و کره‌ای» (Kaniklidou & House, 2017: 12). آن‌ها به چرایی احتمالی این روند نپرداخته‌اند. گونزالز کاسکالانا هم ضمن اشاره به این روند، دلیل اصلی را موقعیت مرکزی ادبیات انگلیسی به‌عنوان زبانی که عمده‌ی ترجمه‌های آثار کودک و نوجوان از آن انجام می‌گیرند و سلطه‌ی آن بر سایر زبان‌ها، دانسته است (رک. González Cascallana, 2006: 101).

در ایران هم مطالعات اندکی که در این زمینه انجام‌شده عمدتاً در راستای بومی‌سازی و بیگانه‌سازی بوده و به نتایجی کم‌وبیش مشابه مبنی بر تمایل به بومی‌سازی دست‌یافته‌اند. بالغی‌زاده و رنجور (۱۳۸۹) پژوهشی درباره‌ی ترجمه‌ی دو رمان نوجوان انجام دادند تا دست‌کاری‌های موجود در ترجمه را شناسایی کنند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در ترجمه‌های فارسی که مقصدگرا بوده‌اند، از تکنیک‌های بومی‌سازی استفاده شده است، به‌این ترتیب که هر محتوایی که به‌لحاظ ایدئولوژیک مغایر با ارزش‌های جامعه‌ی ایران بوده است، حذف‌شده یا تغییر کرده است. در مطالعه‌ی دیگر که به بررسی ترجمه‌ی

اسامی خاص می‌پردازد، معاذالهی (۱۳۹۰) به این نتیجه می‌رسد که اسامی در فارسی بومی‌سازی شده‌اند. به ادعای او، این امر ریشه در حاشیه‌ای بودن ادبیات کودک در نظام چندگانه‌ی ادبی دارد. حسنوندی و همکاران (۱۳۹۴) هم با بررسی سه ترجمه از شازده کوچولو به این نتیجه رسیدند که یکی از ترجمه‌ها مخاطب‌محور بوده و در انتخاب معادل به جامعه‌ی مقصد متمرکز بوده است، درحالی‌که دو ترجمه‌ی دیگر عمدتاً در انتخاب معادل مبدأمحور بوده‌اند.

در ایران، مطالعات محدودی نیز وجود دارد که توجه را به جنبه‌های دیگر ادبیات کودک و نوجوان معطوف داشته‌اند. از جمله دل‌زنده‌روی (۱۳۹۳) به حضور مترجم در آثار کودک پرداخته است. وی به این نتیجه رسید که هر مترجم به روش خود حضورش را در متن نمایان ساخته و بنابراین، هر مترجم به‌مثابه یک راوی قلمداد شده است. عرب‌تربتی و همکاران (۱۳۹۶) با تمرکز بر نشر آثار ترجمه‌ای کودک و نوجوان به بررسی عواملی که باعث پیشی گرفتن آثار ترجمه‌شده از تألیفی شده‌اند، پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عضویت‌نداشتن ایران در کمی‌رایت، هزینه‌ی کم تولید ترجمه در مقابل تألیف، تنوع مضامین در بازار جهانی و تعداد کم نویسندگان ایرانی در مقابل انبوه نویسندگان چیره‌دست خارجی از جمله عواملی هستند که رواج ترجمه را توجیه می‌کنند. غضنفری مقدم و همکاران (۱۴۰۰) هم که به موضوع نشر آثار پرداختند، سیاست اهدای جایزه‌ی نهادهایی را بررسی کردند که طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ در تولید و ارزیابی آثار کودک و نوجوان نقش داشتند. محققان به این نتیجه رسیدند که سیاست اهدای جوایز این نهادها تأثیرگذار و در راستای تشویق کتاب‌های تألیفی با مضامین خاص از جمله تأکید بر روابط خانوادگی و اجتماعی و عدالت‌طلبی بوده است.

کمبود مطالعات در زمینه‌ی ترجمه‌ی ادبیات نوجوان و تمرکز مطالعات محدود موجود بر تکنیک‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی، باعث شده است با وجود حجم گسترده‌ی ادبیات ترجمه‌ای به دیگر جنبه‌های این نوع ادبی توجه کمی شود. یکی از جنبه‌های مهم در این حوزه که پژوهش‌اندکی را به خود اختصاص داده است، رویکرد ترجمه‌های اخیر

در مواجهه با ارزش‌های متفاوت و حتی متعارض دو جامعه است. در این راستا، در پژوهش حاضر، هویت فرهنگی شخصیت‌های نوجوان رمان *خورشید هم یک ستاره است*، بررسی شد. در این رمان مضامین هستی‌شناختی و فرهنگی و اخلاقی وجود دارد که همگی در شکل‌گیری هویت شخصیت‌ها نقش دارند، حال آنکه برخی از این مضامین در تعارض با نظام‌های ارزشی جامعه‌ی ایران، به‌ویژه برای نوجوانان، هستند.

۳.۳. روش پژوهش

مطالعه‌ی حاضر مطالعه‌ای توصیفی و کیفی است. در زیر، اطلاعات روش‌شناختی این مطالعه ارائه می‌شود.

۳.۳.۱. پیکره‌ی پژوهش

برای انجام این مطالعه، رمان نوجوان *The Sun is also a Star* اثر نیکولا یون^۱، نویسنده‌ی جامائیکایی-آمریکایی، انتخاب شد. این رمان در سال ۲۰۱۷ در آمریکا منتشر شد. دلیل انتخاب آن افزون‌بر پرفروش بودن در دنیا و ایران، مضامین رمان است؛ مضامینی چون خدا، سرنوشت، هویت، اخلاقیات، عشق و روابط. از آنجاکه مضامینی جنجالی از این دست مطلوب نوجوانان است و ریشه در نظام ارزشی و اعتقادی و سیاسی هر جامعه دارد و با در نظر گرفتن این نکته که در ترجمه گذار از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر اجتناب‌ناپذیر است، این رمان و ترجمه‌هایش بستری مناسب را برای تحلیلی نه‌تنها زبان‌شناختی، بلکه فرهنگی و ایدئولوژیک مهیا می‌کند. از این اثر تاکنون دو ترجمه‌ی فارسی ارائه شده است که هر دو در مدت کوتاهی بعد از انتشار کتاب به‌چاپ رسیده‌اند: ترجمه‌ی فاطمه خسروی با نام *خورشید هنوز یک ستاره است* و ترجمه‌ی پگاه ملکیان با عنوان *خورشید هم یک ستاره است*.

رمان با حضور *ناتاشا* شروع می‌شود، دختر هفده‌ساله‌ی سیاه‌پوستی که مانند نویسنده اصالتاً اهل جامائیکا است و در کودکی همراه خانواده‌ی فقیرش، غیرقانونی به آمریکا

¹ Nicola Yoon

مهاجرت کرده‌اند تا پدرش که سودای خواننده‌ای موفق شدن در سر دارد و در کشورش ناکام مانده، رؤیاهای آمریکائیش را تحقق بخشد. پس از گذشت سال‌ها، پدر جرمی مرتکب می‌شود و پلیس متوجه اقامت غیرقانونی آن‌ها می‌شود و خانواده را از آمریکا اخراج می‌کند. در همان روزی که عمده‌ی وقایع داستان اتفاق می‌افتد، ناتاشا با پسری کره‌ای-آمریکایی به نام دنیل آشنا می‌شود. او از خانواده‌ای نسبتاً مرفه و البته نژادپرست است که قانونی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. ناتاشا، برخلاف کلیشه‌های غالب جنسیتی، به عینیت‌گرایی علمی معتقد است و همه‌ی مسائل، حتی عشق را از دریچه‌ی علم می‌بیند. اما دنیل پسری شاعر مسلک است که به مسائل از دریچه‌ی احساسات می‌نگرد. مواجهه‌ی این دو کافیسیت تا مضامین اصلی این رمان رقم خورد: مهاجرت، عشق، روابط، دیدگاه‌های هستی‌شناختی درباره‌ی خدا و سرنوشت که همگی در شکل‌گیری هویت شخصیت‌ها نقش دارند.

۲.۳.۳. چارچوب نظری

هویت فرهنگی مفهومی پیچیده است و از آنجاکه مؤلفه‌های متعددی دارد، یافتن تعریفی که همه‌ی صاحب‌نظران بر آن اتفاق نظر داشته باشند، کار ساده‌ای نیست. در این مطالعه، باتوجه‌به کلیدی‌بودن این مفهوم، از تعریفی که هالیدی (۲۰۱۰) به‌دست می‌دهد، به‌عنوان چارچوب استفاده شد. دلیل انتخاب این تعریف روزآمد بودن آن است. به‌علاوه، این تعریف حاصل پژوهش تجربی و مشاهدات است.

باتوجه‌به مضامین کلیدی این رمان مانند مهاجرت، باورهای هستی‌شناختی، عشق و روابط و برخی از تعارض‌های ارزشی بین دو جامعه‌ی مبدأ و مقصد، انتظار می‌رفت ترجمه‌های فارسی این اثر شاهد دست‌کاری‌ها و تعدیلاتی باشد. از این‌رو، رویکرد فرهنگی به ترجمه به‌عنوان چارچوبی برای تفسیر مشاهدات در ترجمه در نظر گرفته شد. این مطالعه از میان جریان‌های اصلی در شکل‌گیری رویکرد فرهنگی از جریان اول و به‌طور خاص از بازنویسی لغوری و نظریه‌ی نظام چندگانه‌ی ایون-زوهرر برای تفسیر نتایج بهره می‌جوید. دلیل انتخاب نظریه‌ی نظام چندگانه این بود که از منظر این نظریه ادبیات و ادبیات ترجمه‌شده

زیرنظام‌هایی از نظامی اجتماعی فرهنگی فراگیرتر هستند که خود جامع نظام‌هایی چون نظام سیاسی، اقتصادی و مذهبی است (رک. Baker & Saldanha, 2011: 420). این (زیر)نظام‌ها در رقابتی بی‌پایان به دنبال تصاحب موقعیت مرکزی هستند. برهم‌کنش همه‌ی این عوامل است که در انتخاب اثر برای ترجمه، تولید، توزیع و در نهایت پذیرش آن نقش دارد. از آنجاکه متن مدّ نظر در این مطالعه سوگیری‌هایی دارد که برخی از آن‌ها در تعارض با ارزش‌های نظام مقصد و برخی هم‌سوی آن هستند و نظر به جایگاه مرکزی ادبیات ترجمه‌شده‌ی نوجوان در ایران، چنین رویکردی بستری غنی برای تعبیر وضع موجود و حتی پیش‌بینی وضعیت احتمالی آتی فراهم می‌کند. به‌علاوه، باتوجه‌به برخی مضامین جنجالی در رمان، درجاتی از تعدیل و دست‌کاری در ترجمه انتظار می‌رفت و بنابراین از نظریه‌ی بازنویسی هم برای تعبیر نتایج استفاده شد و در نهایت، از آنجاکه مهاجرت یکی از مضامین اصلی رمان است و نقش مهمی در هویت آمیخته‌ی شخصیت‌ها دارد، از مفاهیم «آمیختگی» و «فضای سوم» بابا هم برای تفسیر مشاهدات استفاده شد (رک. Bhabha, 1994: 45).

۳.۳.۳. روند انجام پژوهش

در مرحله‌ی اول، رمان انگلیسی به‌دقت بررسی شد تا همه‌ی مؤلفه‌های هویت فرهنگی طبق تعریف هالیدی شناسایی شوند (رک. Holliday, 2010: 175). سپس ترجمه‌های اثر بررسی شدند تا مؤلفه‌هایی که در ترجمه دستخوش دست‌کاری شده بودند، مشخص شوند. نهایتاً، در سایه‌ی انتخاب رویکردی فرهنگی به ترجمه، مشاهدات تحلیل و تأثیر دست‌کاری‌هایی که در مقیاس خرد انجام شده بودند، در سطح کلان و بر هویت شخصیت‌ها بررسی شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. مؤلفه‌های هویت فرهنگی در رمان

طبق تعریف هالیدی، هویت فرهنگی مفهومی پیچیده است و حاصل برهم‌کنش مؤلفه‌هایی نظیر «مذهب، پیشینیان، رنگ پوست، زبان، گفتمان، طبقه‌ی اجتماعی، تحصیلات، شغل،

مهارت‌ها، اجتماع، خانواده، فعالیت‌ها، محله، دوستان، روابط، غذا، لباس، دیدگاه‌های افراد» است (Holliday, 2010: 175). باتوجه‌به این تعریف، کلیه‌ی مؤلفه‌های هویت فرهنگی که در رمان شاهد آن بودیم، استخراج و دسته‌بندی شد. در زیر، به این مؤلفه‌ها و نمود آن در رمان پرداخته می‌شود.

۴. ۱. ۱. ۱. زبان

زبان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت به‌طور عام و هویت فرهنگی به‌طور خاص قلمداد می‌شود. در این رمان نمود زبان برای پروراندن هویت شخصیت‌ها به دو شکل متجلی می‌شود: اسامی و لهجه‌ی اجتماعی.

۴. ۱. ۱. ۱. اسامی

در این رمان، نام‌ها تلویحاتی دارند و نه‌تنها گویای باورهای فرهنگی هستند؛ بلکه ریشه‌ها و هویت را می‌نمایانند. برای مثال، افکاری که از ذهن مادر دنیل می‌گذرد، نشان از مقایسه‌ی ذهنی او دارد که فرهنگ کره‌ای را با تأکیدی که بر نام‌خانوادگی دارد در مقابل فرهنگ آمریکایی قرار می‌دهد؛ فرهنگی که در آن ابتدا نام می‌آید و بعد نام‌خانوادگی. سرانجام به این نتیجه می‌رسد که این تقدم و تأخر نشان از گروه‌محوربودن فرهنگ کره‌ای و در مقابل فردگرا بودن فرهنگ آمریکایی است. این گزیده از رمان با چالشی ادامه می‌یابد که مادر کره‌ای در انتخاب نام برای فرزندش با آن مواجه است. او پس از بررسی گزینه‌های مختلف به این نتیجه می‌رسد که نامی انتخاب کند که گویای «هویت آمیخته» او باشد:^(۱)

E1- She had this feeling that in America names didn't mean anything, not like they did in Korea. In Korea, the family name came first and told the entire history of your ancestry. In America, the family name is called the last name. Dae Hyun said it showed that Americans think the individual is more important than the family. (pp.15-6)

۴. ۱. ۱. ۲. لهجه‌ی اجتماعی

نمود رابطه‌ی تنگاتنگ زبان و هویت تنها به اسامی محدود نمی‌شود؛ لهجه‌ی اجتماعی شخصیت‌ها هم ریشه‌های فرهنگی و هویتی آن‌ها را می‌نمایاند. در حقیقت، لهجه‌ی

اجتماعی ابزاری قدرتمند است که زبان مهاجران نسل اول به آمریکا را نشان‌دار می‌کند. برای مثال، ساموئل، پدر ناتاشا که زاده و بزرگ‌شده‌ی جامائیکاست و مهاجر غیرقانونی به آمریکا قلمداد می‌شود، به زبان انگلیسی سخن می‌گوید که نسبت به انگلیسی استاندارد متفاوت است و با اشکالات دستوری نشان‌دار شده است:

E2- America done with me and I done with it. More than anything that night remind me. (p.288)

این نوع زبان که با لهجی اجتماعی نشان‌دار شده است، در زبان پیش‌خدمت کره‌ای رستوران نیز مشهود است:

E3- My son, he did the same thing. He date white girl. My husband? He don't accept it. At first, I agree with him. We don't speak to our son for a year after he told us. ...

We don't talk to him for over a year ... (p.160)

در این بخش از رمان که در آن بیش از یک صفحه به صحبت‌های پیش‌خدمت کره‌ای اختصاص داده شده است، اشکالات دستوری در استفاده از زمان مناسب و حروف تعریف انگلیسی مشهود است.

کارکرد لهجی اجتماعی در رمان محدود به زبان مهاجران نسل اول نیست؛ زبان شخصیت‌های نوجوان داستان نیز با استفاده از الفاظ خودمانی و ناسزا و تابو، نشان‌دار شده است. در زیر به آوردن چند نمونه اکتفا می‌شود:

E4- She says it in Korean. For emphasis. And because of God or fate or Sheer Rotten Luck, Charlie walks into kitchen just in time to hear her say it. (p.28)

E5- "She dumps you already?" he asks, after taking a quick look down a couple of aisles to verify that she's really not here. His shit-eating grin is firmly in place. (p.219)

E6- He just goes on with his usual shittiness. (p.220)

۴. ۱. ۲. دیدگاه‌های هستی‌شناختی

دین و باورهای هستی‌شناختی انسان‌ها مؤلفه‌ای مهم در شکل‌گیری هویت آن‌هاست. در این رمان هم از چنین دیدگاه‌هایی به‌عنوان ابزاری مهم برای شخصیت‌پردازی استفاده شده است. در جهان‌بینی ناتاشا، نشانه‌هایی از باورهای مذهبی زادگاهش ملموس است.

تعمق وی بر واژه‌ی «irie» که از نظر او در جامائیکا سرشار از تلویحات مذهبی است، این ادعا را ثابت می‌کند. به اعتقاد او، اگر فردی ریشه‌ی این واژه را نشناسد و به فرهنگ لغت رجوع کند، معنای آن به Okay تقلیل می‌یابد. او نتیجه می‌گیرد که گرچه آمریکائی‌ها از این واژه استفاده می‌کنند، اما برای آن‌ها تهی از تلویحات تاریخی و فرهنگی و معنوی است. در بخش دیگری از رمان، به این نکته اشاره می‌کند که «irie» ریشه در آیین راستافاری دارد:

E7- MAYBE YOU'VE HEARD the word *irie* before. Maybe you've traveled to Jamaica and know that it has some roots in the Jamaica dialect, patois. Or maybe you know that it has other roots in the Rastafari religion... (p.24)

باین حال، ناتاشا عمدتاً به علم محض، عینیت‌گرایی علمی و ماهیت تصادفی اتفاقات اعتقاد دارد. از دید او، اعتقاد مردم به معناداربودن اتفاقات و هدف‌مندبودنشان جای سؤال دارد:

E8- People say these things to make sense of the world. Secretly, in their heart of hearts, almost everyone believes that there's some meaning, some willfulness to life. Fairness. ... No one wants to believe that life is random... Things don't happen for a reason. (p.34)

اما دنیل که شخصیتی شاعرانه دارد، به وجود خداوند معتقد است و اعتقاد دارد در پس هر اتفاق دلیلی نهفته است.

۴. ۱. ۳. تحصیلات و حرفه

همان‌طور که از تعریف هالیدی مشخص است، تحصیلات و حرفه دو مؤلفه‌ی هویت فرهنگی هستند (رک. Holliday, 2010: 175). تحقق بخشی از رؤیای آمریکایی خانواده‌ی دنیل در گرو موفقیت تحصیلی او، پذیرش در دانشگاهی درجه یک و حرفه‌ی پزشکی است. گزیده‌ی زیر بخشی از گفت‌وگوی او با ناتاشا در این ارتباط است:

E9- "I applied to Yale. I have an interview with an alum later."
 "are you nervous?" she asks, when we are side by side again.
 "I would be if I gave two shits."
 "But you only give one shit?"
 "Maybe half a shit," I say laughing.

“So your parents are making you do it.”

...

در بخشی دیگر از رمان، جایی که دنیل به برادرش چارلی و دلیل شکست تحصیلی‌اش فکر می‌کند، با خود می‌اندیشد که شاید چارلی نمی‌خواست دکتر شود. اما بلافاصله اندیشه‌اش را اصلاح می‌کند: «در خانه‌ی ما کسی اجازه‌ی تغییر ندارد. ما در مسیر دکتر شدن قرار داریم و هیچ راه فراری نیست» (یون، ۱۳۹۶ الف: ۳۴).

دنیل که خود نیز احساس می‌کند در ادامه‌ی مسیر زندگی تنها انگیزه‌اش تحقق خواسته‌ی والدینش است، به آن‌ها می‌گوید که نمی‌خواهد دکتر شود؛ می‌خواهد بنویسد. اما از سوی پدر مؤاخذه می‌شود. پدر صراحتاً می‌گوید که خواسته‌ی او مهم نیست. اگر دکتر شود، پول و احترام به دست می‌آورد و به هر آنچه می‌خواهد می‌رسد. در یک کلام «رؤیای آمریکائیش محقق می‌شود» (همان: ۱۹۹).

۴.۱.۴. عشق و روابط

دیدگاه‌ها و ارتباطات و رفتارهای جنسی هم از مؤلفه‌هایی هستند که هم هویت فرهنگی را شکل می‌دهند و هم متأثر از آن هستند. در این رمان، می‌توان تجلی دیدگاه‌های نوجوانان درباره‌ی عشق و روابط را در شخصیت و رفتار آن‌ها دید. ناتاشا که دختری علم‌گرا است، دیدگاه‌های خود را در این ارتباط در مدخلی از رمان به نام «عشق: تاریخچه‌ای شیمیایی» بیان می‌کند (بعضی جملات کتاب در این گزیده‌ها حذف شده‌اند):

E10- According to scientists, there are three stages of love: lust, attraction, and attachment. And, it turns out, each of the stages is orchestrated by chemicals –neurotransmitters—in the brain.

...lust is ruled by testosterone and estrogen ...

... attraction is governed by dopamine and serotonin ...

... oxytocin is released during orgasm and makes you feel closer to the person you've had sex with. (p.104-5)

به‌خاطر همین ذهنیت است که در سوگ خیانت دوست سابقش نمی‌نشیند:

E11- Natasha knows these facts cold. Knowing them helped her get over Rob's betrayal. So she knows: love is just chemicals and coincidence. (p.105)

اما دیدگاه دنیل متفاوت است؛ از نظر او عشق و روابط ماهیتی خداگونه دارند:

E12- You know the way we feel right now? This connection between us that we don't understand and we don't want to let go of? That's God." (p.272)

حتی شخصیت و هویت چارلی، برادر دنیل، هم از این منظر درخور تأمل است:

E13- There's no reason for it to be locked with him in it. He's probably jacking off in there. (p.218)

این موضوع درباره‌ی انتخاب دوست هم صادق است؛ چارلی دوستان خود را از میان دختران آمریکایی سفیدپوست انتخاب می‌کند.

۴. ۱. ۵. غذا

دیگر مؤلفه‌ی هویت فرهنگی در رمان غذا است. دنیل که هویت کره‌ای خود را پذیرفته است، با عشق از غذای کره‌ای صحبت می‌کند و حتی ناتاشا را به رستوران کره‌ای دعوت می‌کند:

E14- My mom and I are at the kitchen. Because of my interview she is steaming frozen *mandu* (dumplings) for me as a treat. I'm having a pre-*mandu* appetizer of Cap'n Crunch (the best cereal known to mankind) and writing in my Moleskine notebook. (p.28)

اما برادرش چارلی از غذای کره‌ای متنفر است. تنفر چارلی از غذای کره‌ای با نپذیرفتن هویت کره‌ای هم‌سو است. در گزیده‌ی زیر تقابل شخصیت دنیل و چارلی از این منظر ملموس است:

E15- "Korean food? Best food. Healthy. Good for you." I say to Natasha imitating my mom... Charlie always suggests we go to an American place, but mom and dad always take us to Korean, even though we eat Korean food at home every day. (p.155)

تعصب به غذا را می‌توان به‌مثابه مؤلفه‌ی تعیین‌کننده‌ی هویت در کلام پیش‌خدمت کره‌ای دید. او بعد از شرح داستان پسرش که با دختری آمریکایی ازدواج کرده، از دنیل می‌خواهد به ناتاشا یاد دهد که چگونه از چاپ استیک استفاده کند. او می‌گوید آمریکا کشوری است که زبان فرد را می‌گیرد، غذا و فرزندانش را می‌گیرد. از منظر او، آمریکا کشوری است که هویت‌شان را از آن‌ها ربوده:

E16- This country try to take everything from you. Your language, your food, your children. Learn how to use chopsticks. This country can't have everything. (p.161)

۲.۴. دست‌کاری‌ها در ترجمه

در این قسمت، دست‌کاری‌ها در مؤلفه‌های هویت فرهنگی در ترجمه‌های فارسی اثر بررسی می‌شوند. از آنجاکه در مؤلفه‌های «دیدگاه‌های هستی‌شناختی»، «حرفه و تحصیلات» و «غذا» دست‌کاری صورت نگرفته است، تنها نمونه‌هایی از مؤلفه‌هایی آورده شده است که دست‌کاری و تعدیل شده‌اند.

۲.۴.۱. زبان

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، لهجه‌ی اجتماعی را می‌توان در کلام دو گروه جست‌وجو کرد: مهاجران نسل اول که زبانشان از نظر کاربرد درست دستور، با انگلیسی استاندارد فاصله دارد و نوجوانان نیز به‌واسطه‌ی گروه سنی‌شان به انگلیسی محاوره‌ای آمیخته با واژگان تابو سخن می‌گویند.

در دو ترجمه‌ی فارسی اثر، زبان هر دو گروه به زبان استاندارد تبدیل شده است. در ادامه، نمونه‌ای از کلام پیش‌خدمت کره‌ای در ترجمه‌ها آورده شده است. درحالی‌که گزیده‌ی انگلیسی با اشکالات دستوری کاربرد نادرست فعل و زمان نشان‌دار شده است تا غیربومی بودن وی و هویت آمیخته‌اش را به‌تصویر کشد، اما در ترجمه‌های فارسی هیچ تخطی از فارسی استاندارد به چشم نمی‌خورد. در ترجمه‌ی خسروی، زبان از حالت گفتاری نیز خارج شده و به گونه‌ی رسمی تبدیل شده است. این تبدیل از انگلیسی محاوره به رسمی در قسمت‌های مختلفی از ترجمه‌ی خسروی وجود دارد.

P3a-^(۲) پسر من هم همین‌کار را کرد و با دختری سفیدپوست قرار گذاشت. همسر من؟ موافقت نکرد. اوایل با پسر من موافقت کردم اما بعد از آن تا یک سال با او حرف نزدیم... بیش از یک سال بود که با او حرف نمی‌زدیم... (یون، ۱۳۹۶ الف: ۱۶۹).

P3b- پسر منم همین‌کارو کرد. با یه دختر سفیدپوست قرار می‌داشت. شوهرم قبول نمی‌کرد. اولش منم باهاش موافقت کردم. بعد از اینکه پسرم جریان رو بهمون گفت، یه ساله باهاش حرف نمی‌زنیم... یه سال تمام باهاش حرف نمی‌زدیم... (یون، ۱۳۹۶: ب: ۱۴۱).

در ارتباط با لهجه‌ی اجتماعی نوجوانان رمان، ترجمه‌ی ملکیان استفاده از کلمات تابو و ناسزا در فارسی، بی‌محاباتر سعی در انتقال لهجه‌ی اجتماعی نوجوانان داشته است، در حالی که در ترجمه‌ی خسروی رویکردی محافظه‌کارانه‌تر انتخاب شده است. به علاوه، مانند آنچه در نمونه‌ی پیشین استفاده از لهجه‌ی اجتماعی گفته شد، در ترجمه‌ی خسروی شاهد تغییر لحن به نوشتاری و رسمی هستیم و این هم عاملی است مضاعف برای کم‌رنگ‌تر شدن لهجه‌ی اجتماعی شخصیت‌های نوجوان.

P4a- حتی برای تأکید بیشتر، این جمله را به زبان کره‌ای می‌گوید و همین لحظه از بخت بد، چارلی وارد آشپزخانه می‌شود و صحبت‌های مادرم را می‌شنود (یون، ۱۳۹۶: الف: ۳۵).

P4b- برای تأکید به کره‌ای این حرف رو می‌زنه. حالا نمی‌دونم به خاطر خداس، سرنوشته یا شانس گند ما، چارلی همون لحظه وارد میشه و من از خوردن دست می‌کشم (یون، ۱۳۹۶: ب: ۳۲).

P5a- نگاهی به راهروها می‌اندازد تا مطمئن شود ناتاشا اینجا نیست. بعد می‌پرسد: «ولت کرد؟» لیخند خودپسندانه‌اش همچنان سرجایش است (یون، ۱۳۹۶: الف: ۲۲۵).

P5b- بعد از اینکه نیم‌نگاهی به راهروها می‌ندازه تا مطمئن شه ناتاشا این جا نیست. می‌گه: «مثل آشغال انداختت کنار؟» لیخند گ.. خوری ش هم رو صورتشه (یون، ۱۳۹۶: ب: ۱۸۵).

واژگان و عباراتی که زیر آن خط کشیده شده است به ترتیب معادل «sheer rotten luck» در E4، و «dump» و «shit-eating grin» در E5 هستند.

۲.۲.۴. روابط

عمدتاً ده مدخل از اواسط کتاب به رابطه‌ی عاشقانه بین دو شخصیت اصلی می‌پردازد. در هر دو ترجمه، با وجود دست‌کاری‌ها و تعدیلات، محتوای کلی حفظ شده است. با این حال، هر ترجمه در دست‌کاری این محتوا رویکرد خود را دارد. در ترجمه‌ی خسروی الف. برخی بخش‌های جنجالی حذف شده و ب. با تغییر برخی واژگان و ج. تغییر لحن، ضمن تلطیف این بخش‌ها، محتوای کلی حفظ شده است. اما در ترجمه‌ی ملکیان،

بخش‌های جنجالی‌تر یا کلاً حذف‌شده یا همان‌طور که هست حفظ شده است. گزیده‌های زیر نمونه‌هایی هستند که رویکرد ترجمه‌ی خسروی را نشان می‌دهند:

E17- She is so close that I feel the slight heat from her blush.

I put hand on her waist and bury my fingers in her hair. Anything can happen in the breath of space between us. I wait for her, for her eye to say yes, and then I kiss her. Her lips are like soft pillows and I sink into them. We start out chase, just lips touching, tasting but soon we can't get enough. She parts her lips and our tongues tangle and retreat and tangle again. I'm hard everywhere but it feels too good, too *right* to be embarrassed about. She's making little moaning sounds that make me want to kiss her even more. (p.169)

P17a- آن قدر به من نزدیک است که می‌توانم حرارت صورتش را حس کنم. می‌گذارم انگشتانم لابه‌لای موهایش گم شوند (یون، ۱۳۹۶ الف: ۱۷۸).

همان‌طور که در این مثال مشهود است، در ترجمه‌ی خسروی، محتوا در دو جمله خلاصه شده است، اما خواننده متوجه‌ی کلیت ماجرا می‌شود؛ مخصوصاً با در نظر گرفتن ادامه‌ی محتوا که شروع مدخل بعد است و در آن همین تجربه در یک صفحه‌ی کامل از زبان ناتاشا نقل می‌شود. این مدخل این‌گونه شروع می‌شود:

E18- I CAN'T STOP. I DON'T want to stop. My body absolutely does not care what my brain thinks. I feel his kiss everywhere. The tip of my hair, the center of my belly. The backs of my knees. I want to pull him into me, and I want to melt into him. I can't get enough. ... His hand squeezes my waist ... (p.170)

P18a- نمی‌توانم دست بردارم. نمی‌خواهم دست بردارم. جسمم اهمیتی نمی‌دهد که در ذهنم چه می‌گذرد. حضورش را در تمام وجودم احساس می‌کنم (یون، ۱۳۹۶ الف: ۱۷۹).

در این نمونه و نمونه‌های دیگری که در این صفحات آمده، رویکرد ترجمه‌ی خسروی حذف و خلاصه‌سازی بخشی از محتوا، انتخاب محتاطانه‌ی برخی واژگان و تغییر لحن گزیده‌ها به لحنی شاعرانه و رسمی بوده است. درباره‌ی انتخاب واژگان، حتی از واژگانی نظیر «hot»، «kiss» و «sex» اجتناب شده و با واژگان و عباراتی نظیر «زیبا»، «لبخند»، «در آغوش گرفتن» و «حضور» و «تسلیم شدن» جایگزین شده‌اند:

E19- I'm going to get up and I'm going to kiss her (p.167).

P19a- می‌خواهم او را در آغوش بگیرم (خسروی، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

E20- I kiss him to get him to stop talking (p.182).

P20a- لبخند گرمی به او می‌زنم و دستم را روی لب‌هایش می‌گذارم تا دیگر حرفی نزند (یون، ۱۳۹۶ الف: ۱۸۸).

گزیده‌های E17 تا E20 در ترجمه‌ی ملکیان حذف شده‌اند. این درحالی است که وی در برخی نمونه‌ها با محتوای مشابه رویکردی بی‌پروا تر و آزادانه‌تر داشته است و در انتخاب واژگان، زبانی مستقیم‌تر را برگزیده است. باتوجه به نکات گفته‌شده، ظاهراً نه‌تنها نمی‌توان به الگوی واحدی برای حذفیات در دو ترجمه دست یافت (بعضی مسائل در ترجمه‌ای حذف یا تلطیف شده ولی در ترجمه‌ی دیگر حفظ شده است)؛ بلکه حتی در یک ترجمه هم از رویه‌ی یکسانی پیروی نشده است (در یک ترجمه بخشی حذف یا تلطیف شده، درحالی‌که محتوایی مشابه در همان ترجمه حفظ شده است).

۵. تحلیل و بررسی

در این قسمت، پس از بررسی بستری که در آن ترجمه‌های این اثر شکل گرفته‌اند، در سایه‌ی انتخاب رویکردی فرهنگی به ترجمه، به بحث پیرامون نتایج این مطالعه می‌پردازیم.

۵.۱. انتخاب اثر برای ترجمه

ایون-زوهر در نظریه‌ی نظام چندگانه بخشی از کارکرد نظام‌گونه‌ی ادبیات ترجمه‌شده را در انتخاب اثر برای ترجمه در فرهنگ مقصد می‌بیند (رک. Even-Zohar, 1990: 294). به دیگر بیان، برهم‌کنش (زیر)نظام‌های تأثیرگذار می‌تواند تعیین کند چه اثری برای ترجمه انتخاب شود یا کنار گذاشته شود. چنانچه از این منظر به بخشی از چرایی انتخاب این اثر برای ترجمه بنگریم، لازم است ابتدا نگاهی کلی به محتوای اصلی آن داشته باشیم و سپس آن محتوا را در بافت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی که از آن برخاسته در نظر بگیریم.

نیکولا یون، نویسنده‌ی جامائیکایی-آمریکایی اثر که ناقد سیاست‌های آمریکاست، مهاجرت و رؤیای آمریکایی را به‌عنوان یکی از مضامین اصلی این اثر برگزیده است. باور عمیق شخصیت‌های رمان به رؤیای آمریکایی و جست‌وجو برای تحقق آن از یک‌سو و شکست کامل یا نسبی آن‌ها در رسیدن به آن از دیگرسو، نشان از آن دارد که شاید رؤیای آمریکایی آن‌گونه که تصور می‌شود موجودیت ندارد. برای اینکه نگاهی اجمالی به بستر شکل‌گیری رمان داشته باشیم، باید توجه کنیم که این کتاب نخستین بار در دسامبر ۲۰۱۷ در آمریکا و هم‌زمان با شروع ریاست جمهوری داند ترامپ و سیاست‌ها و اقدامات مهاجرت‌ستیزانه‌ی او منتشر شد. بنابراین، باتوجه‌به هم‌سویی ایدئولوژیک نویسنده‌ی اثر که در محتوای تاحدی ضدآمریکایی رمان تجلی یافته با رویکرد و گرایش غالب نشر در ایران می‌توان بخشی از دلیل انتخاب این اثر را برای ترجمه در همان سال و هم‌زمان توسط دو ناشر که به تعبیر لِفور نقش حامی را دارند، توجیه کرد (رک. Lefevere, 1992: 15). این انتخاب در شرایطی صورت گرفته که به‌نظر می‌رسد برخی از مضامین دیگر کتاب (مانند برخی مضامین هستی‌شناختی و محتوای جنسی آن) جزو خط قرمزهای نشر در ایران، مخصوصاً برای نوجوانان هستند.

۵. ۲. دست‌کاری یا حفظ: تأثیرات و تلویحات

درحالی‌که از میان مؤلفه‌های هویت فرهنگی در دیدگاه‌های هستی‌شناختی شخصیت‌ها، حرفه، تحصیلات و غذا، الگوی معنادار دست‌کاری در ترجمه مشاهده نشد و دو مؤلفه‌ی زبان و روابط دستخوش دست‌کاری شده‌اند. در ادامه به بررسی تأثیر این دست‌کاری‌ها در هویت فرهنگی شخصیت‌ها می‌پردازیم.

زبان مؤلفه‌ای مهم در تعریف هویت است. به‌گفته‌ی فریتلا «زبان ابزاری است اصلی که از طریق آن افراد می‌توانند افکارشان، شخصیت‌شان، ارزش‌ها و اعتقاداتشان، و در یک کلام هویت‌شان، را به سایرین بشناسانند. این سخن آن‌قدر اعتبار دارد که باید هویت را یکی از کارکردهای اصلی زبان قلمداد کرد» (Frittella, 2017: 374). همچنین، ونوتی

معتقد است هویت در زبان تجلی می‌یابد (رک. Venuti, 2005: 177). هویت شخصیت‌های رمان باتوجه به مهاجربودنشان عمدتاً «هویتی آمیخته» است. بابا تأملاتی بر مفهوم «آمیختگی» در بافت مهاجرت داشته است و به نقش فرهنگ در این راستا معتقد است (رک. Bhabha, 1994: 45). او بیان می‌دارد هنگامی که فرهنگ‌ها با هم مواجه می‌شوند و آمیختگی اتفاق می‌افتد، در «ناحیه‌ی تماس» این فرهنگ‌ها «فضای سومی» با «هویت آمیخته» ایجاد می‌شود که در آن هر دو فرهنگ وجود دارند. پس از بابا، چهره‌هایی نظیر شفنر و ادب نیز بیان داشتند که آمیختگی، هویت فرهنگی را تغییر می‌دهد (رک. Schaffner & Adab, 2001: 179).

آمیختگی در این رمان در سطح زبانی عمدتاً از طریق لهجه‌ی اجتماعی منعکس شده است. ترادگیل لهجه‌ی اجتماعی را نوعی لهجه می‌داند که با پیشینه‌ی اجتماعی و فرهنگی ارتباطی تنگاتنگ دارد و عواملی نظیر سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، وضعیت اجتماعی و قومیت در شکل‌گیری آن نقش دارند (رک. Trudgill, 2003: 122). در این رمان دو گروه با لهجه‌ی اجتماعی نشان‌دار شده‌اند: مهاجران نسل اول که به زبان انگلیسی آمیخته با اشکالات دستوری سخن می‌گویند و نوجوانان که از زبانی غیررسمی که گاهی با ناسزا و الفاظ تابو نشان‌دار شده، استفاده می‌کنند. مشاهده شد که گفتار مهاجران نسل اول در ترجمه‌ها هیچ تخطی از زبان استاندارد را از نظر قوانین دستوری و املائی نشان نمی‌دهد و حتی در یکی از ترجمه‌ها لحن گفتاری شخصیت‌ها به زبانی رسمی تبدیل شده بود. تأثیر استانداردسازی در ترجمه‌ی فارسی صداگیری از شخصیت‌های مهاجر داستان است و این باعث می‌شود هویت‌شان تحریف شود. به همین دلیل است که از منظر رویکرد فرهنگی، ترجمه نه تنها متن را تغییر می‌دهد؛ بلکه تغییر در شخصیت‌ها را هم به دنبال دارد (رک. Buden et al, 2009: 197).

درباره‌ی لهجه‌ی اجتماعی نوجوانان، مشاهده شد که در ترجمه‌ی خسروی، افزون‌بر جایگزینی یا حذف بسیاری از الفاظ تابو و ناسزا در بسیاری نمونه‌ها لحن محاوره‌ای هم

¹ Devoicing

به لحنی نوشتاری تبدیل شده بود. از نظر الوستاد، حتی این تغییرات هم به نوعی دست‌کاری ایدئولوژیک محسوب می‌شوند. او این نوع دست‌کاری را «پاک‌سازی»^۱ یا «یک‌دست‌سازی»^۲ می‌نامد و معتقد است با در نظر داشتن رابطه‌ی قدرت نابرابر بین بزرگ‌سالان (برای مثال، مترجمان و ناشران) و نوجوانان، این یک‌دست‌سازی باعث می‌شود صدای نوجوان کمتر شنیده شود و در عوض حضور بزرگ‌سال بیشتر احساس شود (رک. Alvstad, 2010: 23).

مؤلفه‌ی دیگری که در ترجمه‌ها دستخوش دست‌کاری شده بود، محتوای جنسی رمان بود. در ترجمه‌ی خسروی، گرایش غالب به بازنویسی بخشی از این محتوا با استفاده از تکنیک‌هایی مانند خلاصه‌سازی و تلطیف و تغییر لحن بود. با این حال، کلیت این محتوا حفظ شده بود (به این معنا که احساسات و اتفاقات برای خواننده قابل تشخیص است). در ترجمه‌ی ملکیان، گرچه جملاتی حذف شده بودند، اما بخش‌هایی هم بدون ملاحظه‌کاری حفظ شده بود. گرچه این تکنیک‌ها با در نظر گرفتن مخاطب و ارزش‌های جامعه‌ی مقصد در ترجمه اعمال شده‌اند، اما الگوی منسجمی برای حذفیات یا تلطیف‌ها در دو ترجمه یا حتی یک ترجمه‌ی واحد مشخص نشد. نظر به اینکه هر دو ترجمه تقریباً هم‌زمان منتشر شده‌اند، با ممیزی‌های مشابهی از سوی وزارت ارشاد بوده‌اند. بنابراین، احتمالاً دلیل پاره‌ای از تعدیلات، قوانین این نهاد نبوده است، زیرا در این صورت یک‌دست‌تر و نظام‌مندتر عمل می‌شد. به نظر می‌رسد بخشی از این دست‌کاری‌ها ریشه در هنجارهای مترجم یا رویکرد انتشاراتی دارد.

این مشاهدات هم‌سو با ادعای نویسندگان و مترجمان و انتشاراتی‌ها در ایران مبنی بر آزادتر بودن ترجمه در مقایسه با تألیف است (رک. بغلانی، ۱۳۹۸؛ عرب‌تربتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فتاحی، ۱۳۹۹؛ معتمدی، ۱۳۹۸). از نظر آن‌ها، یکی از دلایل پویاتر بودن ترجمه‌ی آثار کودک و نوجوان نسبت به تألیف اعمال محدودیت‌های فراوان محتوایی در تألیف است. مشاهدات دیگر در رمان بررسی شده صحت این ادعا را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند.

1. Purification

2. Homogenizing

پیش‌تر گفته شد که یکی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی در این اثر دیدگاه‌های هستی‌شناختی شخصیت‌هاست. درحالی‌که شخصیت نوجوان محوری رمان که به عینیت‌گرایی علمی باور دارد، دیدگاه‌هایی دارد که با ارزش‌ها و باورهای مذهبی جامعه‌ی ایران در تضاد است، این دیدگاه‌ها در هر دو ترجمه نسبتاً آزادانه حفظ شده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مطالعه، مؤلفه‌های هویت فرهنگی در رمان نوجوان *The Sun is also a Star* شناسایی شد و سپس با انتخاب رویکردی فرهنگی به ترجمه، دو ترجمه‌ی فارسی آن از منظر همان مؤلفه‌ها بررسی شد. شاخص‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی در رمان زبان، دیدگاه‌های هستی‌شناختی، حرفه و تحصیلات، عشق و روابط، و غذا بودند. از میان این مؤلفه‌ها، مضامینی که در ارتباط با حرفه و تحصیلات و غذا بودند با کمترین تغییر و دست‌کاری حفظ شده بودند. همچنین، دیدگاه‌های هستی‌شناختی شخصیت‌ها با کمترین تغییرات و به نسبت آزادانه حفظ شده بودند. این درحالی است که این دیدگاه‌ها در پاره‌ای از مسائل در تعارض با رویکرد غالب در جامعه‌ی ایران است. از میان مؤلفه‌های هویت فرهنگی، مؤلفه‌ی زبان شاهد بیشترین دست‌کاری‌ها در ترجمه بود، زیرا لهجه‌ی اجتماعی که در رمان گویش نسل اول مهاجران به آمریکا و همچنین، نوجوانان را نشان‌دار می‌کند در ترجمه به زبان استاندارد خالی از اشکالات ساختاری و تلفظی (درباره‌ی مهاجران نسل اول) و الفاظ ناسزا و تابو (درباره‌ی نوجوانان) نزدیک شده بود. درباره‌ی محتوای عشقی رمان، گرچه در دو ترجمه گرایش به بازنویسی از طریق تکنیک‌های حذف، خلاصه‌سازی، تلطیف و تغییر لحن مشاهده شد، کلیت این محتوا حفظ شده بود. این یافته‌ها مبنی‌بر حفظ همه یا بخشی از محتوایی که در تعارض با ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی مقصد است، هم‌سو با یافته‌های دیگر پژوهش‌ها (رک. عرب‌تربتی و همکاران، ۱۳۹۶) و ادعای مترجمان و مراکز نشر (رک. بغلانی، ۱۳۹۸؛ فتاحی، ۱۳۹۹؛ معتمدی، ۱۳۹۸) مبنی‌بر آزادتر بودن ترجمه نسبت به تألیف است.

ادبیات ترجمه‌شده‌ی نوجوان در ایران در نظام چندگانه‌ی ادبی موقعیتی مرکزی دارد (رک. عرب‌تریتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ معاذالهی، ۱۳۹۰). از عمده‌ترین دلایل این موقعیت نسبی مهارت ناکافی نویسندگان و محدودیت‌هایی است که آن‌ها در انتخاب مضامین برای تألیف با آن مواجه‌اند (رک. بغلانی، ۱۳۹۸؛ عرب‌تریتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فتاحی، ۱۳۹۹؛ معتمدی، ۱۳۹۸). بالعکس، در ادبیات ترجمه‌شده‌ی نوجوان شاهد آثار نویسندگان چیره‌دستی هستیم که مضامین نوشته‌هایشان منعکس‌کننده‌ی دغدغه‌ها و علایق واقعی این گروه سنی است. به‌علاوه، هزینه‌های کم ترجمه نسبت به تألیف هم عاملی بوده که ترجمه‌ی برنده‌ی این رقابت باشد. بنا بر پیش‌بینی ایون-زوه‌ر در نظریه‌ی نظام چندگانه، در چنین شرایطی انتظار می‌رود هنجارهای جامعه‌ی مبدأ بر هنجارهای جامعه‌ی مقصد فایق آید (رک. Even-Zohar, 1990: 301). نتایج این مطالعه‌ی موردی هم تأییدکننده‌ی این پیش‌بینی هستند: گرچه در ترجمه‌ها دست‌کاری‌هایی صورت گرفته (به‌ویژه در محتوای جنسی رمان) تا با هنجارهای جامعه‌ی مقصد هم‌سوتر شوند و محتوای رمان برای مخاطب نوجوان مناسب‌تر شود. اما کلیت محتوای ترجمه‌شده در این رمان مضامینی را به نسبت آزادانه به بدنه‌ی ادبیات نوجوان ایران معرفی کرده که در ادبیات تألیفی نوجوان کمتر شاهد آن هستیم. مطالعات موردی بیشتر درباره‌ی ترجمه‌ی آثاری که مضامینی در تعارض با نظام ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی ایران دارد، می‌تواند به تعمیم‌پذیری این یافته‌ها و تعبیر کمک کند. چنانچه مطالعات موردی دیگر نیز این روند را تأیید کنند، طبق پیش‌بینی ایون-زوه‌ر، چنین جریان‌هایی که از طریق ترجمه شکل می‌گیرد، در آینده می‌تواند حتی در محتوا و مضامین ادبیات تألیفی نوجوان در ایران نیز تأثیراتی داشته باشد.

یادداشت

- (۱). گزیده‌های انگلیسی با حرف E نشان‌داده شده‌اند و به ترتیب شماره‌گذاری شده‌اند.
- (۲). ترجمه‌های فارسی گزیده‌ها با حرف P و شماره‌ای متناظر با شماره‌ی گزیده‌ی انگلیسی آورده شده‌اند. حروف a و b به ترتیب نشان‌دهنده‌ی ترجمه‌ی فاطمه خسروی و پگاه ملکیان است. برای نمونه، P3a ترجمه‌ی فاطمه خسروی از گزیده‌ی انگلیسی ۳ (E3) در بالاست.

از آنجاکه هر دو ترجمه تقریباً هم‌زمان روانه‌ی بازار شده‌اند، a و b تقدم و تأخر زمانی را نشان نمی‌دهد و صرفاً قراردادی برای نام‌گذاری است.

منابع

اسماعیلی، رضا و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه هویت فرهنگی ایران در کتاب‌های کودکان در سال‌های ۷۵، ۸۰، ۸۵». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۱۳، صص ۹-۴۰.

بالغی‌زاده، ساسان؛ رنجور، فاطمه. (۱۳۸۹). «دست‌کاری در ترجمه‌ی ادبیات کودکان». *مطالعات ترجمه*، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۹، صص ۹-۳۰.

بغلانی، محسن. (۱۳۹۸، ۶ بهمن). *نگاهی به بازار بی‌سامان ترجمه در کشور [مصاحبه‌ی مطبوعاتی]*. خبرگزاری تسنیم.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/11/06/2189476>

حسن‌وندی، سمیر و همکاران. (۱۳۹۴). «ترجمه‌ی ادبیات کودک از منظر پارادایم اسکوپوس و تعادل». *مطالعات زبان و ترجمه*، شماره‌ی ۴۸، صص ۱۱۷-۱۳۷.

دل‌زننده‌روی، سمیه. (۱۳۹۳). «یک داستان، چند مترجم، چند راوی». *مطالعات ادبیات کودک*، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱، صص ۲۷-۴۸.

عرب‌تربتی، نوشین و همکاران. (۱۳۹۶). «نشر ترجمه‌ی ادبیات کودک و نوجوان: وضعیت کنونی، معضلات و عوامل انتخاب». *مطالعات ادبیات کودک*، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱، صص ۹۱-۱۱۲.

غضنفری‌مقدم، نادیا و همکاران. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر نهادهای قدرت بر ترجمه و تألیف آثار کودک و نوجوان ایران: مطالعه‌ی موردی آثار برگزیده‌ی دوره‌ی ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷». *مطالعات زبان و ترجمه*، دوره‌ی ۵۴، صص ۱-۲۲.

فتاحی، حسین. (۱۳۹۹، ۷ تیر). *سبقت ترجمه از تألیف در ادبیات کودک و نوجوان [مصاحبه‌ی مطبوعاتی]*. باشگاه خبرنگاران جوان

<https://www.yjc.news/fa/news/7398235/>

معاذالهی، پروانه. (۱۳۹۰). «ترجمه‌ی ادبیات کودکان: بررسی ترجمه‌ی اسامی خاص شخصیت‌ها به‌طور ویژه». *مطالعات ادبیات کودک*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴، صص ۱۳۵-۱۶۸. معتمدی، ناهید. (۱۳۹۸). *تنگناهای آثار تألیفی کودک و نوجوان: ترجمه، مهاجم فرهنگی نیست [مصاحبه]*.

یون، نیکولا. (۱۳۹۶ الف). *خورشید هنوز یک ستاره است*. ترجمه‌ی فاطمه خسروی، تهران: نون.

_____ (۱۳۹۶ ب). *خورشید هم یک ستاره است*. ترجمه‌ی پگاه ملکیان، تهران: میلکان.

Alvstad, S. (2010). Children's literature and translation. In Y. Gambier & L.V. Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies* (Vol. 1). Amsterdam: Benjamins.

Asman, P., & Pedersen, J. (2011). How Bert got into Ned's head: Domestication in the translation of literature for young readers. *Perspectives: Studies in Translatology*.
<http://dx.doi.org/10.1080/0907676x.2011.592202>.

Baker, M., & Saldanha, G. (2011). *Routledge encyclopedia of Translation Studies* (2nd ed.). New York: Routledge.

Bhabha, H. (1994). *The location of culture*. London & New York: Routledge.

Buden, B., Nowotny, S., Simon, S., Bery, A., & Cronin, M. (2009). Cultural translation: An introduction to problems and responses. *Translation Studies*, 2(2), 196-219.

Even-Zohar, I. (1990). Polysystem studies. *Poetics Today*, 11(1), 287-310.

Frittella, F.M. (2017). Cultural and linguistic translation of the self: A case study of multi-cultural identity based on Eva Hoffman's *Lost in Translation*. *Open Cultural Studies*, 1(1), 369-379.

Gonza'lez Cascallana, B. (2006). Translating cultural intertextuality in children's literature. In J. Van Coillie & W.P. Verschueren (Eds.), *Children's literature in translation: Challenges and strategies* (pp. 97-110). Manchester: St. Jerome.

Hermans, T. (1985). *The Manipulation of literature. Studies in literary translation*. London: Croom Helm.

- Lathey, G. (2006). *The translation of children's literature: A reader*. Clevedon: Multilingual Matters.
- _____. (2010). *The role of translators in children's literature: Invisible storytellers*. New York: Routledge.
- Lefevere, A. (1992). *Translation, rewriting and the manipulation of literary fame*. London: Routledge.
- Holliday, A. (2010). Complexity in cultural identity. *Language and Intercultural Communication*, 10(2), 165-177.
- House, J. (2016). *Translation as communication across languages and cultures*. London: Routledge.
- Kaniklidou, T., & House, J. (2017). Discourse and ideology in translated children's literature: A comparative study. *Perspective: Studies in Translation Theory and Practice*.
- Nikolajeva, M. (2014). Memory of the present: Empathy and identity in young adult fiction. *Narrative Works: Issue, Investigations, & Interventions*, 4(2), 86-107.
- Okyayuz, S.A. (2017). Anglo-American teen literature in translation. *New Review of Children's Literature and Librarianship*, 23(2), 148-171.
- Puurtinen, T. (1995). *Linguistic acceptability in translated children's literature*. Joensuu: University of Joensuu.
- Schaffner, C., & Adab, B. (2001). The idea of the hybrid text in translation: Contacts as conflict. *Across Languages and Cultures*, 2(2), 167-180.
- Snell-Hornby, M. (2006). *The turns of translation studies: New paradigms or shifting viewpoints*. Amsterdam: Benjamins.
- Trudgill, P. (2003). *A glossary of sociolinguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Venuti, L. (1995). *The translator's invisibility: A history of translation*. New York: Routledge.
- Wolf, M. (2010). Sociology of translation. In Y. Gambier & L.V. Doorslaer (Eds.), *Handbook of Translation Studies* (vol. 1), (pp. 347-353). Amsterdam: Benjamins.
- Yoon, N. (2017). *The sun is also a star*. New York: Delacorte Press.